

بررسی وضعیت زنان در کشور مرد سالار افغانستان بر اساس رمان هزار خورشید تابان

آرامش فرهادیان

فارغ التحصیل زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان های خارجی دانشگاه تهران.

نام نویسنده مسئول:

آرامش فرهادیان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

چکیده

این مطالعه بر اساس رمان هزار خورشید تابان نوشته خالد حسینی نویسنده افغانی تبار ساکن آمریکا به بررسی وضعیت زنان افغانستان در چهار دوره تاریخی؛ حکومت داوودخان، حضور شوروی سابق و حکومت کمونیست ها، حکومت طالبان و بعد از سقوط طالبان پرداخته است. زنان هر کشور نیمی از افراد جامعه را تشکیل می دهند. قلب جامعه در سینه خانواده می تپد و زن ضریب حیات خانواده است. محوریت زن در خانواده به عنوان همسر، مادر، آموزش دهنده و پرورش دهنده کودکان و رکن اساسی در ایجاد عواطف و احساسات و انگیزش در اعضای خانواده برای تحمل سختی ها و استمرار زندگی است. هدف تحقیق حاضر بررسی وضعیت زنان افغانستان بر اساس رمان هزار خورشید تابان است. این تحقیق به روش توصیفی انجام شده است. از نظر زمانی این تحقیق مربوط به دوره داوودخان تا دوران پس از طالبان است. زنان در زمان داوودخان آزادی نسبی، حق کار و تحصیل داشتند. در زمان کمونیست ها زنان آزادی بیشتر نسبت به زمان داوودخان داشتند. زنان طالبان دوره سیاه و اسفناک برای همه مردم من جمله زنان بود. بعد از طالبان وضعیت زنان رو به بهبود رفت و وضعیت آنان از دوره ظاهر شاه و کمونیست ها بسیار بهتر شد.

واژگان کلیدی: زنان، افغانستان، مردسالاری، رمان هزار خورشید تابان.

مقدمه

زنان هر کشور نیمی از افراد جامعه را تشکیل می دهند. قلب جامعه در سینه خانواده می تپد و زن ضریان حیات خانواده است. محوریت زن در خانواده به عنوان همسر، مادر، آموزش دهنده و پرورش دهنده کودکان و رکن اساسی در ایجاد عواطف و احساسات و انگیزش در اعضای خانواده برای تحمل سختی ها و استمرار زندگی است. همچنین زنان منبع انسانی بالقوه و مهمی در توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی کشورها محسوب می گردند. یک زن چه در نقش همسر و چه در حکم مادر عامل کلیدی در حفظ و تحکیم خانواده محسوب می شود (باقیانی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴)، (عباس زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

در ساخت هنر، برهه هایی هست که آثار خلق شده برآیند و چیدمانی است از آنچه در بستر یک جامعه از محلی تا بین المللی می گذرد. آثاری که می تواند هر حوزه ای را در برگیرد، از هنرهای تجسمی تا شعر و داستان و ساخت فیلم و نوشتن نمایشنامه. رمان هزار خورشید تابان تبلور آن چیزی است که گریبان گیر جامعه افغانستان شده است، یک جامعه کاملاً سنتی که با قدرت گیری طالبان به سرعت به سوی بدویت، عقب گردی شتابنده داشته و در این گردباد زنان تبدیل به بزرگترین قربانیان شده اند. زنانی که حق رفتن به مدرسه را از دست داده اند. بدون مرد اجازه بیرون آمدن از خانه و سفر ندارند و در حد دستگاهی برای بچه سازی و ایجاد رضایت در مردان، حقیر شده و تنزل یافته اند. زنانی که می شود آنها را به جرم و خیانت ناکرده، بدون هیچ دادگاهی به آسانی سنگسار کرد و به هیچ کس و هیچ کجا پاسخگو نبود. جامعه ای که مردان قلدر زیاد دارد. اجتماعی که تصمیم گیرندگان، رتبه نخست نادانی و تحجر و واپس گرایی را در تمام دنیا از آن خود کرده اند، و فراموش شده ترین انسان ها در این سرزمین زنانی هستند که در پرخطرترین کشور دنیا جان و روانشان به دست لشگری از هیولاهای سپرده شده است که گویا سوار بر ترسناکترین اندیشه های تاریک دنیا رو به مرگ و نیستی اند (مشتاق، ۱۴۰۱). رمان هزار خورشید تابان روایت زندگی مردمان افغانستان به خصوص زنان افغانستان است که توسط نویسنده افغانی تبار خالد حسینی نوشته شده است. نویسنده نیم قرن از تاریخ افغانستان را از طریق روایت داستانونه زندگی دو دختر به تصویر کشیده است.

طبق یک باور عمومی زنان همانطور که خود می زاینند زمین را هم بارور می کنند و زن مادر انسان و زمین است. شخصیت محوری و کانونی زن که بازتابی از توانایی های بالقوه او است که بالفعل شده است. در گردآوری، رویاندن، حفاظت، سیر کردن و زندگی بخشیدن است. در شکل ظاهری و ساختار ظروف عصر کشاورزی دوران نخستین نیز نمایان شده است. این ظروف نمایی از نماد طبیعت زنان، موقعیت اجتماعی و توانایی های آنان است (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱). در کشورهای جهان سوم، زنان به طور متوسط ۱۲ تا ۱۸ ساعت و مردان ۲ تا ۱۲ ساعت کار می کنند. مطالعات بازار کار زنان در آسیا نشان می دهد که زنان ساعات کار طولانی، دستمزد کم و شرایط پست و مشاغل بدون ترقی دارند (هورتن، ۱۳۸۴). زنان همانند مردان خواهان داشتن سلامت، فرصت، ثروت، حسن روابط و آسایش هستند. زنان همانند مردان می خواهند افرادی اجتماعی، مطلع، خلاق، صاحب نفوذ و کارآمد باشند. زنان همانند مردان می خواهند شخصیت خود را نشان دهند، حس کنجکاوی خود را ارضا کنند و عاطفه و مهر و محبت دیگران را به خود جلب کنند. زنان همانند مردان خواهان صرفه جویی در وقت، منابع مالی، کاستن از ناراحتی ها، اندوه، شک و تردید هستند. بالاخره اینکه زنان خواهان فرصتهایی برابر با مردان جهت ارتقای سطح معلومات، آگاهیها و مهارتهای خود هستند تا زندگی بهتر برای خود و خانواده خویش فراهم آورند (محبوبی، ۱۳۷۳). موانع مشارکت زنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی شامل جامعه- پذیری جنسیتی، غلبه بر فرهنگ دنیاگریزی و آخرت طلبی، تسلط فرهنگ مرد محوری، ضعف آموزش و پایین بودن سطح تحصیلات عمومی، ضعف خودباوری و تمایل به پیشرفت زنان از موانع مشارکت زنان است (کمالی، ۱۳۸۰).

رمان هزار خورشید تابان زندگی دو زن از زنان ستمدیده افغانستان را روایت می کند، مریم و لیلا. مریم دختر نامشروع یک تاجر هراتی است که با مادر خود در کلبه ای بیرون از هرات زندگی می کند و لیلا دختر معلمی تاجیک که در کابل زندگی می کند. در رمان، چرخش روزگار دو زن، دو دختر با دو زندگی متفاوت را در کنار هم قرار می دهد تا به عنوان نمایندگان زنان افغانستان گوشه ی کوچکی از وضعیت زنان را در جامعه سنتی و مردسالار افغانستان به ما نشان بدهد. این رمان توانسته شناخت مردم جهان را نسبت به اوضاع افغانستان بیشتر کند و برخی از نگاه های سوگیرانه را تغییر دهد. این کتاب تا اندازه ای تاریخ معاصر افغانستان و درگیری های بین گروه های خارجی و داخلی را نشان می دهد درحالیکه با روایت کردن زندگی مریم و لیلا

آنچه که در خانه های مردم افغانستان اتفاق می افتد را نیز به تصویر می کشد. یکی از ویژگی های مهم نویسنده در این کتاب این است که از پس زنانه نویسی تا اندازه زیادی برآمده است، مخالف جنسیت خود.

در این مطالعه ابتدا خلاصه ای از بخش های چهارگانه کتاب آورده شده است؛ فصل اول مربوط به مریم و زندگی اوست، فصل دوم به لیلا و زندگی او پرداخته است، فصل سوم مربوط به ارتباط مریم و لیلا و حاکمیت طالبان است و فصل چهارم بعد از سقوط طالبان را روایت کرده است. مساله اصلی تحقیق حاضر وضعیت زنان افغانستان در دورانهای مختلف پنجاه سال معاصر بر اساس روایت رمان هزار خورشید تابان میباشد در این راستا سوالات زیر مطرح شده است:

- طبق روایت رمان هزار خورشید تابان وضعیت زنان در زمان داوودخان چگونه بوده است؟
- طبق روایت رمان هزار خورشید تابان وضعیت زنان در زمان کمونیست ها و حضور ارتش شوروی چگونه بوده است؟
- طبق روایت رمان هزار خورشید تابان وضعیت زنان در زمان حکومت طالبان چگونه بوده است؟
- طبق روایت رمان هزار خورشید تابان وضعیت زنان بعد از سقوط طالبان چگونه بوده است؟

اهداف تحقیق

هدف کلی

بررسی وضعیت زنان در کشور مردسالار افغانستان بر اساس رمان هزار خورشید تابان است که در قالب آن، اهداف اختصاصی زیر مدنظر قرار خواهند گرفت.

اهداف اختصاصی

- بررسی وضعیت زنان در زمان داوودخان؛
- بررسی وضعیت زنان در زمان کمونیست ها و حضور ارتش شوروی؛
- بررسی وضعیت زنان در زمان حکومت طالبان؛
- بررسی وضعیت زنان بعد از سقوط طالبان.

پیشینه پژوهش

از دیرباز ادبیات به عنوان آینه ای از جامعه تلقی می شود و آثار ادبی حقایق بسیاری از جامعه را منعکس می-کند. تحقیقات داخلی بر روی آثار خالد حسینی بسیار اندک اند. از جمله پژوهش های قابل تامل می توان به مطالعه؛ نقد اجتماعی-سیاسی رمان بادبادک باز به روش ساختگرایی گلدمن (نوروزی، ۱۳۹۳) اشاره نمود. رمان هزار خورشید تابان که یکی از آثار موفق حسینی بعد از بادبادک باز به شمار می آید نیز کمتر مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار گرفته است. در این زمینه می توان به پژوهش مشارکت سیاسی زنان افغانستان در ساختار جدید قدرت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر (مقصودی و غله دار، ۱۳۹۰)، بررسی عناصر رئالیستی در رمان هزار خورشید تابان (ازادی فر، ۱۳۹۰)، نقد اجتماعی هزار خورشید تابان (اسلام، نوروزی و جعفری، ۱۳۹۱)، بررسی کارایی دو شیوه ترجمه تحت الفظی و آزاد از دیدگاه خوانندگان ترجمه های رمان هزار خورشید تابان (اکبری، محمودی و گوگلانی، ۱۳۹۲)، تحلیل جامعه شناختی شخصیت در دو رمان بادبادک باز و هزار خورشید تابان (جعفری، ۱۳۹۲)، بررسی عناصر داستانی رمان های خالد حسینی (ظریف، ۱۳۹۲)، بازتاب شرایط اجتماعی زنان افغانستان در رمان هزار خورشید تابان بر اساس رویکرد تطبیقی و مطالعات بین رشته-ای (زینی وند و مرتضایی، ۱۳۹۵)، نقش جنسیت در دو ترجمه فارسی کتاب هزار خورشید تابان بر اساس مدل ودینگتون (جويا، صیادیان و نعیمی، ۱۳۹۷)، بررسی هنجارگسیختگی و بازتاب آن در هزار خورشید تابان اثر خالد حسینی (دستا و جوازی، ۱۳۹۹) و کتاب وقتی مجاهد خندید (مشتاق، ۱۴۰۰). قدرت درونی زنان در هزار خورشید تابان (یاوری، ۲۰۱۱)، هزار خورشید تابان: چشم انداز بلاغی زنان افغان (کازمیان، ۲۰۱۲)، نگرش زنان نسبت به تبعیض جنسیتی در هزار خورشید تابان (Istikomah, 2015)، موضوعیت مریم: تحلیلی از رمان هزار خورشید تابان خالد حسینی (Muaddatunikhmah, 2016)، مطالعه فمینیستی درباره هزار خورشید تابان خالد حسینی (Philip, 2016)، سرنوشت زن بدبخت هزار خورشید تابان

(li و Liu, 2017)، استقلال، بیداری زن، خودآگاهی و خودرستگاری: تفسیر هزار خورشید تابان (Lu, 2019)، پدرسالاری و کلیشه های جنسیتی در هزار خورشید تابان (Azzi و Belkhiri, 2019)، وضعیت اسفبار زنان حاشیه نشین در هزار خورشید تابان (چویک و تونگور، ۲۰۱۹)، هویت زنان افغان: موج سوم فمینیستی در هزار خورشید تابان خالد حسینی (Ahmad و Mohmood و Riaz Dar, 2019)، فمینیسم در هزار خورشید تابان خالد حسینی (Ramkumar و Suba, 2019)، مقاومت زنان و رابطه قدرت در هزار خورشید تابان خالد حسینی (Chaudhary, 2020)، قشر بندی اجتماعی در هزار خورشید تابان (Rizki, 2020) و لایه های گفتمانی و رابطه جنسیتی در هزار خورشید تابان خالد حسینی (Chaudhary, 2020). این پژوهش ها عموماً "با رویکرد توصیفی-تحلیلی به مطالعه وضعیت زنان افغانستان بر اساس رمان هزار خورشید تابان می پردازد.

روش تحقیق

این تحقیق یک تحقیق از نوع توصیفی است چون به توصیف و تبیین وضعیت زنان در کشور افغانستان در دوره های مختلف معاصر می پردازد. روش تحقیق توصیفی یک ابزار علمی است که به وسیله آن محققان یا روان شناسان برای جمع آوری اطلاعات و تعریف کردن رفتارهای خاصی، خصوصیات و سایر پدیده ها به کار می رود. روش تحقیق توصیفی بر «چه کسی»، «چه چیزی» و «کجا» در مقابل «چرا» و «چطور» متمرکز است (مور، ۲۰۲۰).

محدوده موضوعی تحقیق حاضر بررسی وضعیت زنان در کشور مردسالار افغانستان بر اساس رمان هزار خورشید تابان می باشد.

محدوده زمانی این رمان از سال ۱۹۷۴ تا ۲۰۰۱ میلادی می باشد، و زمان انجام تحقیق و بررسی رمان در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ است. محدوده انسانی تحقیق زنان افغانستان هستند که تعداد آنان ۱۶۷۷۹۰۰۰ نفر (۵۱ درصد) از جمعیت افغانستان می باشد.

محدوده مکانی وقایع، کشور افغانستان و تالیف کتاب نیز در آنجا انجام شده است.



بحث

وضعیت زنان افغانستان در زمان ظاهرشاه با توجه به بعضی از حقوق محدود نظیر: حق تحصیل و حق دادن رای تا حد زیادی مناسب بود. در کابینه ظاهرشاه (قبل از داوود خان) سه وزیر زن حضور داشت، بیشتر آموزگاران، نیمی از کارکنان دولت و ۴۰ درصد از پزشکان زن بودند. زنان دارای تحصیلات عالی به وکالت، پزشکی، مهندسی و روزنامه نگاری مشغول بودند، یا در بخش های دولتی به عنوان منشی، پرستار، متصدی پذیرش و مهماندار هواپیما استخدام می شدند (مقصودی و غله دار، ۱۳۹۰) به نقل از (زغرانچی، ۱۳۷۲).

در زمان حکومت داوودخان

زنانی را در کشورم دیدم که همراه با کودکانشان از کنار دیوارها با شتاب عبور می کردند. زنان برقع پوشی که درست مثل خورشید در پس ابر مانده اند. دوست داشتم بدانم در این سی سال، در مسیر تندباد سرنوشت افغانستان چه بر آنها گذشته است.

همان جا بود که تصمیم گرفتم داستانی درباره زنان سرزمینم بنویسم، خورشیدهای تابانی که در پس برقع ها پنهان هستند. هزار خورشید تابان ادای دینی به زنان سرزمینم است (خالد حسینی، ۲۰۰۷)

مریم دختر نامشروع مرد ثروتمندی است به نام جلیل، که با مادر خود در کلبه ای خارج از شهر هرات زندگی می کند. جلیل سه زن و نه بچه داشت. (ترس و نگرانی از پنهان کاری و رو شدن آن باعث می شود زن گناهکار شناخته شود و به این نتیجه می رسد که مردها، زن ها را متهم کنند). انگشت اتهام مردها، درست مثل عقربه ی قطب نما که در همه حال رو به شمال می ایستد، همیشه رو به زن ها نشانه می رود (خالد حسینی، ۱۱). (فشارهای روحی و روانی بر زنان علاوه بر مشکلات روانی، مشکلات جسمانی هم برای آنان به همراه دارد). مریم در توصیف حال روحی ننه اش می گوید: "ننه ناگهان از حال می رفت، بدنش سنگ می شد، خشک می شد، چشم هایش به عقب برمی گشتند و دست و پایش می لرزید. انگار چیزی از درون ویرانش می کرد و کف از گوشه های دهانش جاری می شد. بعد، حالت کرخت و خواب آلود و سردرگمی وحشتناک و حرف های گنگ و نامفهوم بر زبان می آورد." (همان، ۱۴). یا جایی که لیلا میگوید: "مامان پرده های زرد شده را کشیده بود. پیچیده شده در پتو، دیوارهای اتاق مامان پر از عکس احمد و نور بود" (همان، ۱۵۵). "دردهایی که مامان تا آخر عمر با آنها دست به گریبان بود شروع شدند. درد قفسه سینه، درد مفاصل و عرق ریزان شبانه، سنگین شدن گوش ها از درد و غده هایی که هیچ کس نمی توانست حس کند" (همان، ۱۵۵). "ننه به مریم گفت: "به مدرسه فرستادن دختری مثل تو چه فایده ای دارد؟ توی این مدرسه ها هیچ چیز به درد بخوری یادت نمی دهند. تازه، توی مدرسه دستت می اندازند. آره، بهت می گویند حرامزاده. به تو حرف های ناجور می زنند، من اجازه نمی دهم" (همان، ۲۳ و ۲۴). (زنان حق خود را ناچیز و خیلی کمتر از چیزی که در واقع هست می بینند و نه تنها مردها بلکه خود زن ها هم تحصیل را حق خود نمی دانستند). سهم ما از زندگی همین است، سهم زن هایی مثل ما این است که تحمل کنیم. فقط همین (همان، ۲۴). چشم مریم افتاد به چیزی که زیر درخت بود؛ صدلی پشت صاف واژگون شده بود. طنابی به شاخه ای بلند بسته شده بود، ننه از سر طناب آویزان بود (همان، ۴۳). (مشکلات روحی و روانی می توانند باعث خودکشی شوند، بذر خیلی از مشکلاتی که زنان در بزرگسالی دچار آن می شوند از کودکی یا خیلی قبل تر از آن کاشته شده است). ننه از وقتی دختر بچه کوچولویی بود، بدبخت بود (همان، ۵۱). خواستگار مریم ۳۰ سال از او بزرگتر است. "دخترهای نه ساله را به مردهای حداقل بیست سال بزرگتر از این خواستگار تو شوهر داده اند. تو چند سالت است؟ پانزده؟ برای ازدواج یک دختر، سن خوب و مناسبی است" (همان، ۵۴). برای حسینه از قبل تصمیم گرفتند و می خواهند او را به پسر عموی ارشدش که ۲۲ سال ازش بزرگتر است، بدهند (همان، ۱۲۸) (ازدواج در سن کم با مردی خیلی بزرگتر از دختر و به اجبار). وقتی سه زن جلیل مریم را به ازدواج تشویق می کردند، او از جلیل کمک خواست و در جواب جلیل زیر نگاه های همسرانش و مریم فقط آهی دردناک کشید (همان، ۵۶). "این رسم است، خودت هم می دانی. دوست های من هر کدام، دو، سه، یا چهارتا زن دارند. پدر خودت هم سه تا داشت (همان، ۲۳۴). (چند همسری در نهایت باعث ناتوانی مرد و تباهی او می شود و چند همسری را رسم می دانند). "ته خیابان معلمی زندگی می کند که زنش هر روز توی خیابان تک و تنها، بدون حجاب فقط با یک روسری پلاس است. این چیزها آزارم می دهند، وقتی می بینم یک مرد اختیار زنش دستش نیست. توی ولایت ما صورت یک زن فقط به شوهرش تعلق دارد" (همان، ۷۸ و ۷۹). (حجاب نداشتن زن بی غیرتی و بی اختیاری شوهر را نشان می دهد). "من نسبت به شیوه ی پدر و مادرت با آسان گیری در مورد تو تردید دارم (همان، ۲۴۳). در ضمن ازت می خواهم وقتی با هم بیرون میرویم برقع سر کنی" (همان، ۲۴۴). (حجاب اجباری و بد گویی از مردگان). برقع در داستان نمادی است برای پوشش بر هر آنچه که رنج، غم و ظلم است، با برقع می توان همه آنها را پنهان کرد. نماد زندگی پنهان زنانه است، در پشت برقع می توانند حرام زادگی خود را پنهان کنند، می توانند اشک و غم خود را پنهان کنند... می توانند زنانگی خود را با تمام وجود پنهان کنند. "اگر دختر بود، که نیست، آن وقت هر اسمی که خواستی رویش بگذار" (همان، ۹۶). "می دانی او روی تو هم دست بلند می کند. به همین زودی ها. تازه تو بهش یک دختر داده ای، پس می بینی که گناه تو حتی نابخشودنی تر از مال من است (همان، ۲۷۲). (پسر بودن فرزند مهم است که پدر برایش اسم انتخاب می کند و دختردار شدن از نظر مردها و زن ها گناه است). مریم هرگز نشنیده بود رشید دخترش را که لیلا اسمش را عزیزه گذاشته بود، صدا کند. اسمش یا بچه بود، یا وقتی واقعا به جان می آمد، این جانور (همان، ۲۵۹). (بی ارزش بودن دختران). بعد از شش بار بارداری امیدشان ناامید شده بود، هر بار سقط، هر دفعه از دست دادن، هر بار دکتر رفتن برای مریم کوبنده تر از دفعه قبلش

می شد. با هر بار ناامیدی، رشید کم حرف تر و خشمگین تر می شد (همان، ۱۰۹). (بارداری های نا موفق باعث تغییر خلق و خوی مردان میشود). دست های قوی رشید فکش را گرفت، دهانش را کاملا گشود و سنگ های سرد و سخت را توی دهانش ریخت و مریم را مجبور کرد آنها را بچود، بعد مریم را در حال تف کردن قلوه سنگ و خون و خرده های دو دندان آسیا تنها گذاشت (همان، ۱۱۵). (آزار و اذیت زنان بی دلیل منطقی و از روی خشم از خود و رویه های مرد سالارانه).

در زمان حکومت کمونیست ها

زن ها و مردها در همه چیز برابرند و دلیلی ندارد وقتی مردها حجاب ندارند، زن ها داشته باشند (همان، ۱۲۴). "می دانم وقتی جنگ تمام بشود، افغانستان به تو هم اندازه ی مردها نیاز دارد، حتی شاید هم بیشتر. چون یک جامعه، هیچ وقت موفقیتی نصیبش نمی شود، مگر آنکه زنانش با سواد باشند" (همان، ۱۲۷). بابا برای لیلیا در بچگی تفهیم کرده بود که مهم ترین چیز توی زندگی، بعد از سلامت، تحصیلات است (همان، ۱۲۷). دولت برای زنان کلاس های سوادآموزی گذاشته بود. بابای لیلیا: "حالا تقریباً دو سوم دانشجویان دانشگاه کابل را زنانی تشکیل می دهند که در رشته های حقوق، پزشکی و مهندسی تحصیل می کنند (همان، ۱۴۹). زنان همیشه در این مملکت مظلوم بوده اند، اما حالا آن ها خیلی آزاد هستند و زیر لوای کمونیست ها از حقوق بیشتری نسبت به آنچه قبلاً داشتند برخوردارند" (همان، ۱۴۹ و ۱۵۰). (برابری حقوق زن و مرد و حق تحصیل زنان). پدر لیلیا: "به نظر من این ها همه اش مزخرف است، این که من تاجیکم و تو پشتونی و آن مرد هزاره ای است و آن زن از یک. همه ما افغانی هستیم و همین مهم است. اما وقتی یک گروه برای مدتی طولانی به بقیه حکمرانی می کند به دنبالش تحقیر می آید، چشم و هم چشمی. بله تا بوده همین بوده" (همان، ۱۴۴). (مشارکت تمام اقوام اعم از اقلیت یا اکثریت باعث انسجام اجتماعی، وحدت و اعتماد ملی می گردد. در این صورت هر یک از اقوام و قبایل خود را جزئی از پیکره واحد ملت-دولت می دانند و در صورت داشتن یک حاکمیت معقول هیچ ابر قدرت یا گروه سیاسی خارج از کشور نمی تواند چشم طمع به آن داشته باشد). "می خواهم روزی را ببینم که روس ها با شکست مفتضحانه به خانه شان برمیگردند و مجاهدین، پیروزمندان به کابل. می خواهم وقتی این اتفاق می افتد، وقتی افغانستان آزاد می شود، باشم. این طوری پسرها هم آن را می بینند. آنها با چشم های من آن را می بینند" (همان، ۱۵۸). (به دلیل ظلم هایی که روس ها انجام می دادند اکثریت مردم طرفدار مجاهدین بودند). "دوستان نوجوان من، سرگذشت کشور ما همین است، تاخت و تاز پشت تاخت و تاز. مقدونی، ساسانیان، اعراب، مغول ها، حالا هم شوروی. ولی ما مثل دیوارهای قلعه سرخ بالا هستیم. درب و داغون، بدون نمای زیبا، ولی هنوز پابرجا" (همان، ۱۶۱). (استنباط مردم افغانستان از کشورشان). فرد پشتون احمد شاه مسعود را به خاطر معامله با شوروی در دهه ۱۹۸۰ خائن خوانده بود و فرد تاجیک گفته بود اگر مسعود نبود، خواهر و مادر و بقیه را هنوز هم به سربازهای شوروی می دادند (همان، ۱۸۸). (تفاوت عقیده افراد درباره مجاهدین). "خوبیت ندارد یک زن عزب توی این خانه زندگی کند. برای آبرو و حیثیت من بد است. همینطور برای آبروی خودش و آبروی تو" (همان، ۲۳۳). (مهم بودن آبرو و حیثیت مردان). در افغانستان یک چهارم کودکان قبل از پنج سالگی می میرند (همان، ۲۶۱). (با وجود پیشرفت کشور در بخش های آموزشی و بهداشتی، میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال همچنان بالاست). ملاهای افراطی احکام دوره کمونیستی را که به زنان قدرت می داد، کنار گذاشته بودند و به جایش بر اساس شرع مبین، حکم صادر می کردند که زنان را مکلف به حفظ حجاب می کرد و آنها را از سفر کردن بدون یکی از محارم منع می کرد (همان، ۲۸۴). (آزادی ها و فرصت هایی که زنان در سال های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲ از آن برخوردار بودند به تاریخ پیوست).

در زمان حکومت طالبان

در اکتبر ۱۹۹۴ طالبان، فرماندهان جنگ را در قندهار شکست داده، شهر را به تصرف درآوردند. آن ها نیروهای چریکی بودند متشکل از جوانان پشتون، که خانواده هایشان در طول جنگ با شوروی به پاکستان گریخته بودند. آنها در مدارس پاکستانی از ملاها شریعت آموخته اند. رهبرشان مردی یک چشم، مرموز، بی سواد و منزوی به نام ملا محمد عمر بود که خودش را امیرالمومنین می دانست. در سپتامبر ۱۹۹۶ طالبان وارد کابل شدند و آن جا را تصرف کردند و حکومتشان را آغاز کردند (همان، ۲۹۸-۲۹۹).

در کابل وانت ها جولان می دادند. از هر وانت، بلندگویی با صدای گوش خراش اعلامیه می داد، اول به فارسی، بعد به پشتو. اعلامیه همان پیام را توی خیابان ها هم می ریختند. متن اعلامیه با این مضمون شروع میشد:
وطن ما اکنون امارات اسلامی افغانستان نام دارد. این ها قوانینی هستند که ما اعمال می کنیم و شما اطاعت می کنید:

- ✓ همه شهروندان باید هر روز پنج نوبت نماز بخوانند. اگر در وقت نماز کسی به کار دیگری مشغول باشد مجازات خواهد شد.
- ✓ همه مردان باید ریش بگذارند. حدود صحیح آن، حداقل به اندازه ی یک مشت پایین تر از چانه است. اگر کسی از این قانون تخلف کند مجازات می شود.
- ✓ همه پسرها باید دستار به سر بگذارند. پسرها از کلاس اول تا ششم باید دستار سیاه و رده های بالاتر باید دستار سفید بگذارند. همه پسرها باید لباس اسلامی به تن کنند. دکمه ی یقه باید بسته باشد.
- ✓ آواز خواندن ممنوع است.
- ✓ رقصیدن ممنوع است.
- ✓ ورق بازی، شطرنج، قمار و بادبادک بازی، ممنوع است.
- ✓ تالیف کتاب، تماشای فیلم و نقاشی ممنوع است.
- ✓ اگر کسی طوطی داشته باشد مجازات می شود. پرنده مذکور هم سربه نیست می شود.
- ✓ هرکس دزدی کند، دستش از میچ قطع می شود و اگر دوباره دزدی کند، پایش هم قطع خواهد شد.
- ✓ اگر کسی مسلمان نباشد، در ملاعام و جلوی چشم مسلمانان نباید عبادت کند. اگر این کار را بکند مجازات و زندانی خواهد شد. اگر کسی سعی کند مسلمانی را به دین خود درآورد، اعدام خواهد شد.

مورد توجه زنان:

- ✓ زنان باید همیشه در منزل بمانند. جایز نیست که زنان بدون هدف در خیابان ها پرسه بزنند. اگر زنی بخواهد بیرون از منزل برود، باید یکی از محارم همراهش باشد. اگر زنی در خیابان تنها دیده شود، پس از تحمل تازیانه، به خانه بازگردانده خواهد شد.
- ✓ چهره ی زنان، تحت هیچ شرایطی نباید نمایان باشد. بیرون از منزل، زنان باید برقع به سر داشته باشند. در غیر این صورت به شدت شلاق خواهند خورد.
- ✓ آرایش کردن ممنوع است.
- ✓ زیورآلات ممنوع است.
- ✓ زنان نباید لباس شاد و رنگی به تن کنند.
- ✓ زنان نباید صحبت کنند مگر این که با آن ها صحبت شود.
- ✓ زنان نباید با مردان تماس چشمی داشته باشند.
- ✓ زنان نباید در مکان های عمومی بخندند در غیر این صورت شلاق خواهند خورد.
- ✓ زنان نباید لاک بزنند. در غیر این صورت یک انگشت فرد متخلف قطع خواهد شد.
- ✓ مدرسه رفتن برای دختران ممنوع است. تمام مدارس دخترانه در اسرع وقت بسته خواهند شد.
- ✓ زنان حق کار کردن ندارند.
- ✓ اگر زنی زنا کند، سنگسار خواهد شد.

گوش کنید. خوب گوش کنید. اطاعت کنید. الله و اکبر(همان، ۳۰۲-۳۰۴).

وقتی طالبان روی کار آمد، دانشگاه ها تعطیل و دانشجویان روانه ی خانه هایشان شدند. نقاشی ها از دیوارها کنده و با تیغ ریزریز شدند. شیشه ی تلویزیون ها زیر لگد خرد شدند. کتاب ها را به جز قرآن، دسته دسته در آتش سوزاندند و در کتاب فروشی ها بسته شد. اشعار خلیلی، پژواک، انصاری، حاجی دهقان، اشراقی، بیتاب، حافظ، جامی، نظامی، مولوی، خیام، بیدل و خیلی ها

دود شد و به هوا رفت (همان، ۳۰۶). رستوران مارکوپولو نزدیک کوچه مرغا، به مرکز بازجویی تبدیل شده بود. گشت ریش با وانت توپوتا همه جا توی خیابان ها جولان می داد و دنبال صورت های اصلاح شده می گشت تا خونین و مالین شان کند. در سینماها را هم تخته کردند. سینما پارک، آریانا، آریاب. آپارات خانه ها زیر و رو و حلقه های فیلم به آتش کشیده شدند. خرابات، محله ی قدیمی موسیقی در کابل، سوت و کور شد. نوازندگان شلاق خوردند و به زندان افتادند و رباب ها، تنبورها و ارگ هایشان لگدکوب شدند. مردان طالبان به سراغ گور خواننده ی محبوب احمد ظاهر رفتند و آن را به گلوله بستند (همان، ۳۰۷). مردها و زن ها در بیمارستان های جداگانه پذیرفته خواهند شد، همه کارکنان زن از بیمارستان های کابل اخراج شده، فقط در یک مرکز درمانی کار خواهند کرد (همان، ۳۱۲). طالبان، با کار گذاشتن تی ان تی توی شکاف مجسمه های غول آسای بودا در بامیان منفجرشان کرده و آن ها را نماد شرک و بت پرستی خواندند. آن مجسمه های بودا که دو هزار سال قدمت داشتند (همان، ۳۴۲).

بعد از سقوط طالبان

مردم می گویند کابل باید دوباره سرسبز و آباد شود (همان، ۴۴۴). هر روز مردم نهال می کارند، خانه های قدیمی را رنگ می زنند، برای ساختن خانه های جدید آجر می برند، جوی آب و چاه حفر می کنند. از گوشه و کنار خیابان های کابل صدای موسیقی شنیده می شد، رباب و طبلا، دوتار، ارگ و تنبور، ترانه های قدیمی احمد ظاهر (همان، ۴۴۶).

حادثه ۱۱ سپتامبر برای زنان افغانستان اهمیت فراوان دارد، با سقوط نظام زن ستیز طالبان، سیاست های خشن و غیر انسانی طالبان نسبت به زنان از بین رفت و به آزادی های فرهنگی و اجتماعی، کسب آگاهی و دانش و توجه به آموزه های دینی برای تمام افراد جامعه به ویژه زنان دست یافتند، باعث شد فضای نسبتا باز و مناسب برای فعالیت زنان در عرصه های مختلف ایجاد شود. میلیون ها دختر افغان به مدرسه بازگشتند و زنان در مشاغل چون پزشکی، وکالت، قضاوت و حتی نیروی پلیس مشغول به کار شدند. زنان افغان بر این باورند که آنها می توانند نقش بارزی را در راستای تامین صلح و امنیت در کشور ایفا نمایند. در طی بیست سال گذشته زنان به طور قابل ملاحظه ای از فرصت ها استفاده کردند. رابطه دینامیک بین تلاش و تعهد زنان باعث بیرون آمدن آنها از موقعیت کلا فرودست و غیر قابل دید و انتقال به موقعیت قابل دید و ارزش مدار شد.

"آهای با شما دوتا هستم، دفترهایتان را برداشته اید؟ مددهایتان؟ کتاب درسی تان" (همان، ۴۴۵)؟ بچه ها را می بیند که خارج از کلاس منتظرند. با روسری هایشان، کله های تراشیده ی عرقچین به سرشان (همان، ۴۴۹).

جشنواره زنان فیلم ساز هرات که بار اصلی سینمای افغانستان به دوش دو زن است. رویا سادات از خانه فیلم رویا و دکتر صحرا کریمی از افغان فیلم (مشتاق، ۱۴۰۰). (تحصیل و کار برای زنان و دختران آزاد شده است).

زن های نسل حال در مقابل طالبان ایستادگی می کنند، شعار ضد طالب می دهند، می خواهند حق تعلیم و تحصیل خود را حتی شده با زور بگیرند. طالبان آنقدر ضعیف است که از خانم های افغانستان می ترسد. خانم ها این قدر مهم هستند که یک حکومت که تازه می خواهد بنا شود، شروع کرده به کارهایی برای محدود کردن خانم ها. زنان امروزی زنان بیست سال پیش نیستند و زنانی هستند که بیست سال قربانی دادند و زحمت کشیدند و بیشتر از مردان زحمت کشیدند. این ها فرزندان شان را از دست دادند. همسرانشان را از دست دادند. برادرهایشان را از دست دادند. این ها الان نان آور خانه هستند. زنان بسیار باسواد و با توانایی بالا هستند. این نسل، نسل بیست سال پیش نیستند و خاموش نمی نشینند و صدایشان را بلند می کنند و همچنان حقی را که اسلام به آنها داده است را می خواهند و چیزی اضافه بر آن نمی خواهند (مشتاق، ۱۴۰۰).

نتیجه گیری

با توجه به متن کتاب زندگی زنان در نیم قرن روایت شده دستخوش تحولات زیادی شده از زمان داوود خان که زنان آزادی نسبی داشتند و با هر نوع ملیت، پوشش، سطح سواد و زبان با هم در جامعه رفت و آمد داشتند. با شورش کمونیست ها و حضور سربازان شوروی حجاب برای زنان آزاد شد و حقوق زنان نسبت به زمان داوودخان بیشتر شد. برای بی سوادها کلاس های سوادآموزی برگزار می شد. بعد از شکست شوروی توسط مجاهدین، طالبان بر سر کار آمدند و زندگی زنان در زمان طالبان را دوره سیاه زن در افغانستان می دانند. چون طالبان با قوانینی که وضع کرده بود زنان را در خانه حبس کرد و اگر زنی را خارج از خانه

بدون یکی از محارم می دیدند، وی را شلاق می زدند و او را به خانه باز می گرداندند. بعد از سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت جدید افغانستان مهم ترین حرکت اصلاحی اختصاص چندین ماده برای توسعه حقوق زنان بود و قانون اساسی بر اساس ارزش های انسانی و برابری حقوق شهروندان تنظیم شد. زنان با توجه به حقوق به دست آمده، تحصیل و کار که یکی از نیازهای اصلی شان بود را به دست آوردند و در حوزه های سیاسی، پزشکی، فرهنگی، هنری، علمی و حتی امنیتی مشغول به کار شدند و سرنوشت خود را به دست گرفتند.

منابع و مراجع

- [۱] آزادی فر، ر (۱۳۹۰). بررسی عناصر رئالیستی در رمان هزار خورشید تابان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- [۲] اکبری، ا، محمودی، ن، گوگلانی، گ (۱۳۹۲). بررسی کارایی دو شیوه ترجمه تحت الفظی و آزاد از دیدگاه خوانندگان ترجمه های رمان هزار خورشید تابان. فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- [۳] اسلام، ع، نوروزی، ز، جعفری، ع (۱۳۹۱). نقد اجتماعی هزار خورشید تابان. همایش: گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی.
- [۴] جعفری، ع (۱۳۹۲). تحلیل جامعه شناختی شخصیت در دو رمان بادبادک باز و هزار خورشید تابان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند.
- [۵] جوارى، م.ح، دستا، آ (۱۳۹۹). بررسی هنجارگسیختگی و بازتاب آن در هزار خورشید تابان اثر خالد حسینی. نشریه علمی، پژوهش های زبان و ترجمه فرانسه.
- [۶] جويا، م، صیادیان، س، نعیمی، ا (۱۳۹۷). نقش جنسیت در دو ترجمه فارسی کتاب هزار خورشید تابان بر اساس مدل ودینگتون. پژوهش نامه ادبیات تطبیقی.
- [۷] زینی وند، ت، مرتضایی، ا (۱۳۹۵). بازتاب شرایط اجتماعی زنان افغانستان در رمان هزار خورشید تابان بر اساس رویکرد تطبیقی و مطالعات بین رشته-ای. پژوهش نامه ادبیات داستانی.
- [۸] ظریف، م (۱۳۹۲). بررسی عناصر داستانی رمان های خالد حسینی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- [۹] مشتاق، ز (۱۴۰۰). وقتی مجاهد خندید. انتشارات آگیر. چاپ اول. تهران.
- [۱۰] مقصودی، م ، غله دار، س (۱۳۹۰). مشارکت سیاسی زنان افغانستان در ساختار جدید قدرت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر. نشریه روابط بین الملل (پژوهشنامه روابط بین الملل).
- [11] Ahmad, M, Mehmood, Sh, Riaz Dar, Sh (2019). Loss of Self- Identity of Afghan Women: A Third Wave Feminist Study of Khalid Hosseini's A Thousand Splendid Suns. Erevna: Journal of Linguistics and Literature.
- [12] AZZI, S, BELKHIRI, Y (2019). Patriarchy and Gender Stereotyping in KHALED HOSSEINI'S A Thousand Splendid Suns. Faculty of Letters and Languages. Department of English Language. Algeria.
- [13] Chaudhary, P (2020). Layers of Discourse and Gender Relation in KHALED HOSSEINI'S A Thousand Splendid Suns. Department of Languages, School of Humanities & Social Sciences. India.
- [14] Chaudhary, P (2020). Women Resistance and Power Relation in KHALED HOSSEINI'S A Thousand Splendid Suns. Department of Languages, School of Humanities & Social Sciences. India.
- [15] YAWARİ, A.W (2011). The Inner Strength of Women in KHALİD HUSSEINI'S A Thousand Splendid Suns. Institute of Social Sciences. Department of English Language and Literature. Konya.
- [16] ÇEVİK, Y, TÖNGÜR, A.N (2019). The Plight of Marginalized Women in KHALED HOSSEINI'S A Thousand Splendid Suns in The Third World Feminism. The Journal of International Social Research. Turkey.
- [17] Istikomah, N (2015). Women's Attitudes towards Gender Discrimination in KHALED HOSSEINI'S A Thousand Splendid Suns. English education department. Faculty of languages and arts. Indonesia.
- [18] Kazemiyān, A (2012). A Thousand Splendid Suns: Rhetorical Vision of Afghan Women. Department of Communication. University of Ottawa.
- [19] Lu, W (2019). Independency, Awakening of Female Self-Consciousness and Self-Redemption . Interpretation of a Thousand Splendid Sun. Middle School Attached to University of Beijing. China.

- [20] Li, Sh, Liu, T (2017). On the Miserable Female's Fate from A Thousand Splendid Suns. 3rd International Conference on Economics, Social Science, Arts, Education and Management Engineering. China.
- [21] Muaddatunikhmah, N (2016). Subjectivity of Mariam: An Analysis of KHALED HOSSEINI'S Novel A Thousand Splendid Suns. Department of Language Study. Indonesia.
- [22] Murti, K.C (2018). Mariam's Struggles for Her Life in KHALED HOSSEINI'S A Thousand Splendid Suns. Department of Language and Arts Education. Indonesia.
- [23] Philip, B.A (2016). Endless endurance: A feminist study of KHALED HOSSIENI'S novel A Thousand Splendid Suns. International Journal of Applied Research. India.
- [24] Rizki, G (2020). Social stratification in a thousand splendid suns. Department of English Literature, Faculty of Humanities. India.